

چرا بجای پاکستان، افغانستان بمباران میشود؟

من نه تحلیلگر سیاسی استم و نه صاحب نظر در سیاست امریکا، ولی به عنوان کسی که بیشتر ناظر اوضاع مربوط به وطن بوده ام، میخواهم بگویم که از همان اول حادثه ۱۱ سپتامبر، عامل اصلی آن، **آسامه بن لادن** و شبکه القاعده وانمود شد و امریکا از آنسوی اوقیانوسها به عزم نبرد با **بن لادن** لشکر کشید و با همدستی ائتلافی از ۴۰ کشور جهان بساط طالبان را که حامی بن لادن پنداشته میشدند، در افغانستان برچید و برای نابودی بن لادن و شبکه او کوه های توره بوره را در شرق افغانستان با بمب های هفت هزار کیلویی سوراخ سوراخ نمود، اما سرانجام معلوم شد که تیکه داران دستگیری بن لادن، رهبر القاعده را در بدل پول و یا بی پول سالم به پاکستان رساندند و تمام قدرت نمائی و تبلیغات گوش خراش رسانه های غربی که گویا امریکا با کمک تکنیک معاصر توانائی درک و شناسائی هر جنبنده و خزنده ئی را در دل کوه ها و زیر زمین و درون ابحار دارد، و میتواند با استفاده از تلفن ماهواره ای توسط شعاع لایزر بن لادن را نابود کند، دروغ ثابت شد و بن لادن و شبکه او از همان زمان تا کنون در پاکستان و غالباً زیر نظر سازمان استخبارات نظامی آنکشور (ISI) از این دره به آن دره و از این محل به آن محل منتقل مکان میکند و شبکه اش را رهبری و برای اهداف دیگری تجهیز و آماده میسازد.

سوال عمده اینست که ائتلاف بین المللی برهبری امریکا، به بهانه نبرد با تروریسم بجای پیگرد و تعقیب بن لادن و شبکه او در داخل پاکستان، چرا از پنج سال بدینسو در افغانستان خود را مصروف جنگ با طالبان کرده است و دهات و روستاهای مردم بی دفاع ما را بمباران میکند؟ امریکا تا حال هرچه کشته و بمباران کرده، همه شورشیان طالب و افراد غیر نظامی در مناطق جنوب و جنوب شرق افغانستان بوده اند، نه افراد وابسته به القاعده. از جمله چهار هزار کشته ای که در سال ۲۰۰۶ در جنوب افغانستان توسط عملیات نیروهای ناتو و امریکا کشته شده اند، فقط یک هزار آن به شورشیان طالب نسبت داده شده و بقیه سه هزار تن دیگر مردمان عادی و غیر نظامی شامل کودکان و زنان و پیر مردان محلی بوده اند. پس ائتلاف بین المللی برهبری امریکا چه وقت برای مبارزه با دشمن اصلی خود یعنی بن لادن و القاعده آستین برمیزند و به پاکستان میروند و مراکز آموزش شبکه القاعده را در آن کشور مورد بمباران قرار میدهد و از کشتن و نابود کردن پشتونهای جنوب و جنوب شرق دست برمیدارد؟

هم مقامهای ناتو و هم بخش اطلاعات نظامی امریکا و نیز مقامات انگلیسی در افغانستان بدرستی میدانند که مراکز پرورش و آموزش طالبان و القاعده در پاکستان و در مرزهای نزدیک به افغانستان قرار دارد. در حالی که موقعیت دقیق آنها توسط ماهواره های جاسوسی امریکائی عکس برداری و بارها در تلویزیونهای امریکا و اروپا و افغانستان نشان داده شده و هنوز هم نشان داده میشود، چرا برای سرکوبی آن مراکز اقدامی صورت نمیگیرد؟ دلیل تعلل امریکا و سرگرم کردن نیروهای ائتلاف ضد تروریسم با شورشیان طالب چیست؟

شاید چنین تصور شود که وقتی امریکا کار طالبان را در افغانستان یکطرفه کرد، وثبات و امنیت را در این کشور تامین نمود، آنگاه به سراغ القاعده و شبکه های وابسته به آن در داخل پاکستان خواهد رفت. اما به باور این قلم اشتباه سیاست امریکا نیز در همین تصور نهفته است، زیرا روسها نیز وقتی وارد افغانستان شدند، با همین تصور که ابتدا باید "اشرار" را سرکوب کرد وثبات را در افغانستان برقرار نمود، وبعد میتوان با یک جست از روی پاکستان، خود را به آب های گرم رسانید، ولی سازمانهای استخباراتی پاکستان که کف دست شورویها را خوانده و نیات آنها را درک کرده بودند، با تجهیز و گسیل گروه های مقاومت افغان از پاکستان، نه تنها شورویها را ناکام و مجبور به خروج از افغانستان نمودند، بلکه حکومت مورد حمایت شوروی را نیز خسته و از پا درآوردند. اکنون نیز همان استخبارات با پیش بینی اینکه اگر در افغانستان ثبات برقرار شود، ممکن است امریکا با همدستی ائتلاف ضد تروریسم برای پیگرد القاعده وارد پاکستان گردد و لانه های بنیادگرایی را در آنکشور نابود و بشریت را از شر تروریسم خلاص کند و آنگاه پاکستان که علت وجودی خود را در بنیادگرایی اسلامی می بیند، مبدا دچار تجزیه و نابودی شود، بنابراین به حمایت خود از طالبان و حکمتیار و مولوی حقانی و غیره بنیادگرایان افغانی، ادامه میدهند و هر روز گروهی از آنها را برای جهاد علیه کفار به داخل افغانستان میفرستد. شورشیان هم که مردم بیسواد و بیکا و فقیری هستند، در زیر فشار و تهدید سازمان (آی اس آی) و یا در بدل پول نقد و اگر هیچ هم نباشد بخاطر رفتن به بهشت، حاضر میگردند بر ناف خود بمب نصب کنند و خود و عده ای از مردم بیگناه افغان را نابود کنند. در سال ۲۰۰۶ میلادی ۱۳۹ حادثه از گونه عملیات انتحاری در افغانستان صورت گرفت که باعث تلفات یک هزار تن از مردم ما و نیروهای حافظ صلح گردیدند. این نوع عملیات یکی از عوامل نگرانی نیروهای ناتو و ائتلاف بین المللی گردیده تا آنجا که برخی از کشورهای پیمان ناتو دیگر حاضر نیستند سربازان خود را به مناطق

جنوب بفرستند. به همین دلیل در نشست سران ناتو در ریگا، معاون وزیر خارجه بریتانیا، کیم هاوِلز (Kim Howells) از اینکه "بار سنگین" نبرد با شورشیان طالبان، به دوش سربازان بریتانیایی و کانادایی انداخته شده، انتقاد کرد.

بریتانیا و کانادا بیش از شش هزار نیرو در جنوب افغانستان دارند که مستقیماً با شورشیان طالبان در حال نبرد هستند. تا کنون نیروهای کانادا ۴۵ سرباز و بریتانیا ۱۱ سرباز خود را در نبرد با طالبان از دست داده اند. [bbc](#) ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ من عادت ندارم موضوعی را بدون مدرک و شواهد کتبی به خواننده ارائه کنم، بنابراین می‌خواهم توجه هموطنان را به چشم پوشی امریکا در برابر سیاست دوپهلوی پاکستان که هم متحد امریکا برضد تروریسم است و هم طالبان را برای عملیات انتحاری به افغانستان می‌فرستد، برویت گزارشهای رسانه معتبر بین المللی معطوف کنم:

جان نگرپونته، رئیس اداره ملی اطلاعات امریکا، در تاریخ ۱۱ جنوری به یک کمیته مجلس سنای امریکا اظهار داشت: سران شبکه القاعده در پاکستان پایگاهی امن یافته اند که از آنجا تشکیلات خود را به سراسر خاورمیانه، شمال آفریقا و اروپا گسترش می‌دهند. او افزود که شبکه القاعده از درون خاک پاکستان امکانات اجرایی و روابطی گسترده به وجود آورده است. به عقیده نگرپونته، القاعده شبکه فعالی است که همچنان بزرگترین خطر برای منافع امریکا محسوب می‌شود. به گفته نگرپونته عملیات انفجاری همچنان اولین حربه شبکه القاعده است، اما "این سازمان تروریستی در عین حال تلاش می‌کند به اسلحه هسته ای، شیمیایی و بیولوژیکی دست یابد."

این اظهارات، بلافاصله با استقبال دولت افغانستان مواجه شد که بارها گفته است: مناطق قبایلی پاکستان، جایگاه فعالیت سران طالبان و القاعده است. رئیس دفتر حامد کرزی به خبرنگاران گفت: اظهارات آقای نگرپونته، هرچند یک اعتراف دیر هنگام است، مگر حقانیت ادعاهای افغانستان را تأیید می‌کند. ([bbc](#) ۱۲/۱/۲۰۰۷)

چندی پیش [BBC](#) به ارتباط افزایش نا امنی در افغانستان مقاله ای را بازنتاب داد که در آن گفته شده بود: "**ISI دولتی در درون دولت پاکستان است**" و علاوه نمود که: روزنامه هرالده تریبیون چاپ بریتانیا، مقاله ای را در مورد افزایش نا امنی در افغانستان و نقش سازمان استخباراتی پاکستان (ISI) در این نا امنیها، منتشر کرده است.

نویسنده این مقاله، امین صیقل، استاد علوم سیاسی و رئیس مرکز مطالعات اسلامی پوهنتون ملی استرالیا، می‌گوید: افزایش فعالیتهای مخالفان دولت افغانستان در این اواخر، تردیدهای جدی را در مورد بازگشت صلح و ثبات به این کشور ایجاد کرده است. تحلیلگران استخبارات غربی به صورت گسترده ای معتقدند که بدون حمایت پاکستان و اجازه استفاده از قلمرو این کشور، طالبان نمی‌توانستند تا به حدی که امروز دیده می‌شوند، منسجم شده و قدرت مقابله با ارتش افغانستان و نیروهای ائتلاف را پیدا کنند. نویسنده تأکید میکند که: "**حتی اگر ژنرال پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان، شخصا به سیاست عدم دخالت در افغانستان متعهد باشد، نمی‌تواند ادعا کند که سرویس استخبارات این کشور و همچنین نیروهای بنیادگرای اسلامی، چنین تعهدی را رعایت می‌کنند.**" نویسنده مقاله، سازمان (ISI) را، "**دولتی در درون دولت پاکستان**" توصیف کرده می‌گوید که پاکستان باور دارد که دیر یا زود نیروهای ائتلاف از افغانستان خارج میشوند و این امر راه را برای تعیین سرنوشت این کشور توسط همسایگانش هموار می‌سازد. با در نظر داشت این مساله "**پاکستان می‌خواهد در جایگاهی باشد که بتواند منافع خود را در آینده افغانستان حفظ کند و مانع تقویت حضور دیگر بازیگران منطقه به خصوص هند و ایران در افغانستان شود.**" هرالده تریبیون می‌افزاید: "**همانند طالبان، نیروهای بنیادگرای پاکستانی نیز از ناکامی های آمریکا در عراق و اعلام خروج ۴۰۰۰ سرباز آمریکایی از افغانستان بعد از گسترش ناتو در ظرف دو ماه آینده، جسور تر شده اند.**" (بی بی سی ۲۵/۴/۲۰۰۶)

اسما حبیب، گزارشگر [bbc](#) در کابل در تاریخ ۶ سپتامبر گزارش بسیار مهمی ارائه دادمبنی بر اینکه: ساعاتی پیش از ورود پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان به کابل، یک دیپلمات ارشد بریتانیایی گفت که **تأمین امنیت و ثبات پایدار در افغانستان تا زمانی ممکن نیست که مراکز آموزش تروریستها در پاکستان بسته نشود.**

اسما حبیب افزود: **کیم هاوس**، معاون وزیر خارجه بریتانیا در یک کنفرانس خبری در کابل گفت که اگر قرار است امنیت و ثبات در افغانستان تحکیم شود، پاکستان باید تعهد کند که برای برهم زدن ثبات در افغانستان تلاشی به خرج نمی‌دهد. آقای هاوس گفت: "**اگر قرار است افغانستان در آینده کشور با ثباتی باشد، پاکستان باید تعهد کند که هیچ گاهی به طالبان و تروریست ها کمک نخواهد کرد، مراکز آموزش تروریست ها را مسدود خواهد کرد و اجازه نخواهد داد اندیشه های افراط گرایی در افکار نسل جوان تزیق شود.**" این نخستین بار است که یک مقام ارشد بریتانیایی به این صراحت در مورد پاکستان ابراز نظر می‌کند. ([bbc](#) ۶ سپتامبر ۲۰۰۶)

بگزارش بی بی سی، در سندی که توسط یک مأمور امنیتی بریتانیایی تهیه شده گفته می‌شود که پاکستان در آستانه آشوب است. در این سند همچنین آمده است که "آی اس آی پاکستان: حامی تروریسم" است. بی بی سی می‌افزاید: در سند وزارت دفاع بریتانیا آمده است که سازمان امنیت پاکستان (ISI) با حمایت از احزاب مذهبی آنکشور به طور غیرمستقیم به تروریسم یاری می‌رساند. «اما پرویز مشرف از سازمان استخبارات نظامی پاکستان دفاع کرد و گفت: او با این نظر که سازمان اطلاعات پاکستان باید منحل شود، قویا مخالف است. "من با این نظر ۲۰۰ درصد مخالف هستم. کسی حق ندارد راجع به انحلال این سازمان سخن بگوید." مشرف گفت: "سازمان امنیت پاکستان نیروی مجهزی است

که کمر القاعده را شکسته است. به خاطر فعالیت شایسته مأموران امنیتی ماست که ۶۸۰ نفر دستگیر شده اند. (بی بی سی ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۶) مقامهای عالیرتبه ناتو و نیروهای امریکائی در افغانستان می‌گویند، انتحار کنندگان در افغانستان، در پاکستان آموزش می‌بینند. سایت جنگ با اعلام این مطلب افزود: این افراد مواد منفجره برای این کار را نیز در این کشور دریافت می‌کنند. مقامهای مذکور اعلام کردند که اخیراً با دستگیری حافظ داود شاه ۲۱ ساله و مهاجر افغان و چند نفر دیگر در افغانستان، آنها اظهار داشتند که در پاکستان آموزش دیده و مواد منفجره نیز دریافت کرده‌اند. این گزارش حاکی است که به این افراد وعده داده شده است که پس از انفجار و عمل انتحاری به خانواده هایشان یک هزار و ۴۰۰ دالر داده خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری صدای افغان، روزنامه نیویارک تایمز اخیراً به نقل از دیپلمات‌های غربی نوشت که سازمان‌های استخباراتی پاکستان به ویژه سازمان اطلاعات نظامی این کشور، از گروه طالبان حمایت می‌کنند. به نوشته نیویارک تایمز، براساس مصاحبه‌های انجام شده با ساکنین مناطق مرزی، سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان، خانواده‌های را که پسرانشان به عنوان بمبگذاران انتحاری به افغانستان گسیل و کشته میشوند، تحت فشار قرار میدهند تا درباره نحوه پیوستن پسرانشان به طالبان صحبتی نکنند. نیویارک تایمز همچنین به نقل از ریش سفیدان قبایل نوشته است که اعضای سابق طالبان اگر از جنگ در افغانستان خودداری کنند، زندانی و یاحتی بطور مرموزی کشته میشوند.

تلویزیون آریانا از کابل، شام ۸ نومبر یکی از تروریستان انتحاری منسوب به طالبان را به نمایش گذاشت که پولیس شهر جلال آباد او را که ملبس به واسکت و مواد منفجره بود، دستگیر کرده بود. موصوف در مقابل دوربین خبرنگاران اظهار داشت که وی در بدل یک میلیون کددار حاضر شده است یک عمل انتحاری را در مسجد پل خشتی کابل انجام دهد. وی اظهار داشت که او در باجورد نزدیک مرز دیورند در یک مدرسه که ششصد تن طالبان در آن عملیات انتحاری فرامیگیرند آموزش دیده است. وی علاوه نمود که این مدرسه از طرف آی اس آی پاکستان و شحص حمیدگل سابق رئیس استخبارات پاکستان اداره و به پیش برده میشود. نامبرده از اشتراک خود در چندین عملیات تروریستی انتحاری دیگر در افغانستان نیز اعتراف نمود. (تلویزیون آریانا ۸ نومبر)

در هفتم نومبر پاکستان نیز طعمه یک چنین عملیات انتحاری شد که در آن سی و پنج سرباز کشته شدند و بیست تن دیگر مجروح گردیدند و در واقع این جواب بمباردمان یک مدرسه مذهبی در تاریخ ۳۰ اکتوبر در باجور از سوی نیروهای نظامی پاکستان بود که در آن ۸۰ تن از تندروان القاعده به قتل رسیده بودند. این عملیات میتواند نظریات نماینده امنیتی بریتانیا را تائید کند که یک ماه پیش از این حادثه اظهار داشته بود.

قبل از اجلاس ناتو در ریگا، پایتخت لتونی در ۲۸ نومبر، وزیر خارجه پاکستان خورشید محمود قصوری به وزرای خارجه برخی از اعضای ناتو گفته بود: **طالبان در حال بردن جنگ و ناتو در شرف شکست است.** یک مقام غربی پس از ملاقات با وزیر خارجه پاکستان گفت: "قصوری اساساً از ناتو می‌خواهد که تسلیم شود و با طالبان به گفتگو بپردازد." همین امر، جورج بوش و تونی بلر رهبران آمریکا و بریتانیا را وا داشت تا از کشورهای عضو سازمان ناتو بخواهند تا نیروها و تجهیزات نظامی بیشتری به افغانستان بفرستند. به گفته احمد رشید، به رغم اینکه پاکستان مکرراً حمایت از طالبان را رد می‌کند **ژنرال ریچارد جونز** فرمانده ارشد ناتو در ماه سپتامبر گذشته به کنگره آمریکا گفت **مرکز رهبری طالبان در شهر کوئته پاکستان قرار دارد. طالبان در افغانستان برنده و ناتو شکست می‌خورد.**

تونی بلر صدراعظم انگلستان در مورد رشد افراط‌گرایی اسلامی طی یک سخنرانی گفت: غرب باید منشاء پرورش این روند را شناسایی و در جهت نابودی آن کار کند و به همین منظور او در ۱۹ نومبر ۲۰۰۶ به پاکستان سفر نمود و پس از دیدار با پرویز مشرف، در باره مبارزه با افراط‌گرایان اسلامی و وضعیت امنیتی کشور همجوار افغانستان گفتگو کرد. گفته می‌شود مدارس مذهبی در پاکستان محل پرورش افراط‌گرایی است که در بریتانیا و دیگر کشورهای غربی دست به اقدامات تروریستی می‌زنند. تونی بلر در برابر این بهانه مشرف که پاکستان برای مبارزه با افراط‌گرایان پول ندارد، تعهد نمود که بریتانیا کمک‌های خود را به آنچه رییس جمهور پاکستان تقاضا کرده، دو برابر خواهد کرد. آقای بلر در جمع سربازان بریتانیایی در ولایت هلمند افغانستان گفت که ادامه مبارزه با افراد وابسته به طالبان و القاعده و پیروزی در این نبرد برای حفظ امنیت جهانی اهمیتی اساسی دارد.

پاکستان که تا این اواخر منکر پرورشگاه‌های افراط‌گرایان اسلامی در آن کشور بود، در تاریخ ۳۰ اکتوبر هلی کوپترهای توپدار آن کشور در منطقه قبایلی **باجور**، نزدیک سرحد افغانستان یکی از این مدرسه‌ها را بمباردمان کرد که در آن ۸۰ تن از تندروان مذهبی کشته شدند و سرانجام مقامات امنیتی پاکستان و شخص مشرف در برابر اعتراضات مردم محل، اعتراف کرد که در آن مدرسه هیچ شخص بیگناهی کشته نشده و تمام آنها افراط‌گرایان اسلامی بودند که در آن مدرسه تعلیمات تروریستی می‌دیده اند. بدینسان کرزی بدرستی به جامعه بین المللی خاطر نشان کرده بود که برای توفیق بر تروریسم باید منبع و سرچشمه آن یعنی مدارس مذهبی پاکستان بسته شوند، در غیر آن تلاش برای ریشه کن کردن تروریسم از منطقه تلاش عبثی خواهد بود.

همین اکنون توسعه مدارس مذهبی در صوبه سرحد پاکستان نسبت به سالهای قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بیست و هشت برابر گردیده که تعداد آن در سال ۲۰۰۵ به ۶۸۷۰ (شش هزار و هشتصد و هفتاد) باب رسیده بود. (رک: لوموند

دیپلوماتیک مارس ۲۰۰۶) این مدارس که تعداد آن در سراسر پاکستان از سی هزار باب هم تجاوز میکند تولیدات آن به کجا صادر میشود؟ بدون تردید اکثریت شان بعد از شستشوی مغزی برای جنگ و حملات انتحاری به کشمیر و افغانستان برضد نیروهای هندی ویا امریکائی وناتو گسیل میگردند وثبات وامنیت در این کشورها را مختل خواهند کرد، پس سخن کرزی برای غرب وائتلاف ضد تروریسم یک سخن دقیق ویسیار با اهمیت است وجامعه بین المللی باید کار مبارزه با افراط گرایی ودهشت افگنی را از پاکستان واز مدارس مذهبی آن کشور شروع کنند، نه از دهات وروستاهای افغانستان که افراط گرایان اسلامی از آن به عنوان سپر بلا استفاده میکنند.

در تاریخ ۱۱ دسمبر حامد کرزی، رییس جمهور افغانستان بطور ناگهانی به زادگاه خود قندهار سفر نمود و در دیدار خود با شاگردان و مردم قندهار صریحا گفت: **دولت پاکستان در شورش طالبان دست دارد و می خواهد افغانستان را به بردگی بگیرد.** این نخستین باری است که رییس جمهور افغانستان با چنین صراحت و احساساتی، دولت پاکستان را به تلاش برای بی ثبات کردن افغانستان متهم می کند. آقای کرزی گفت: "امروز جهان، افغانستانی را که به پاکستان داده بود، دوباره آباد می کند ولی پاکستان هنوز این نیت را نسبت به افغانها از دست نداده که ما باید تا همیشه غلام باشیم." رییس جمهور افغانستان افزود که مقامات پاکستانی تلاش دارند بخشی از خاک افغانستان را تصرف کنند. کرزی با اشاره به تاریخ کشورش گفت: **"پاکستان باید بداند که پای خیلی از امپراتوری های بزرگ در افغانستان شکسته است و پاکستان نیز هیچ گاه به اهدافش در افغانستان نخواهد رسید."**

آقای کرزی با اشاره به شدت حملات انتحاری در شهر قندهار گفت: در قندهار چند روز پیش در حوض مدحمله انتحاری شد و پس از آن تا شش روز پی هم این شهر مورد حملات انتحاری قرار می گرفت و درست همان روزی که وزیر خارجه پاکستان به کابل آمد، این حملات قطع شد. چرا شش روز پی هم قندهار هدف حمله قرار گرفت؟ به این دلیل بود که مرا بترسانند که کرزی! ما می توانیم ترا هم بکشیم، همانگونه که فرزندان و معلمان شما را در مدارس کشته و از بین می بریم، تسلیم شو! اما کرزی تسلیم نمی شود. کرزی با بیان این مطلب سوگند یاد نمود که اگر پاکستان ۲۵ ملیون مردم این کشور را هم بکشد، باز هم یک نفر پیدا نخواهد کرد که غلامی پاکستان را بپذیرد. رییس جمهور تاکید کرد: کسانی که مکاتب و مراکز آموزشی را آتش می زنند و معلمان، انجیران، داکتران و روحانیون را می کشند، افغان نیستند. او گفت: "اگر بدانم که راه دیگری وجود ندارد و منتظر باشم که ما را در خانه های مان بکشند، این مرگ در بی غیرتی است و افغانستان هیچگاه مرگ در بی غیرتی را قبول نکرده است. (سخنان کرزی با کف زدنهای ممتد بدرقه شد) حامد کرزی با تاکید بر اینکه پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان تلاش می کند پشتونها را بدنام نماید، به یک نکته بسیار دقیق و مهمی تماس گرفته گفت: **"اسلام آباد می خواهد با این تلاشها پشتونها را بد نام و سپس آنها در هر دو سوی خط دیورند سرکوب کند"**

واقعیت این است که از حمله ایالات متحده امریکا بر افغانستان در نوامبر ۲۰۰۱ بعد پشتونها پیوسته مورد ضربات کوبنده بمب افکن های امریکائی قرار گرفته اند و متحمل تلفات وخسارت جانی ومالی فراوان شده اند. بنابراین پشتونها در دولت کرزی خود را تحقیر شده ترین قوم در افغانستان احساس میکنند و از اینکه به طالبان پیوند داده میشوند و به مثابه عاملین تروریسم و حملات انتحاری پنداشته شده، مورد بمباردمان قرار میگیرند، هم از دولت کرزی و هم از حضور امریکا در مناطق شان خیلی ناراضی و خشمگین اند. پشتونهای آنسوی خط دیورند که بخوبی ملققت این نکته شده اند، در این اواخر با گردهمائی های قومی این شیوه برداشت و برخورد غرب را در قبال پشتونها محکوم کرده، **خواهان تغییر در تصویر ارایه شده از هویت شان میباشند.**

آژانس اطلاعاتی باختر از قول احمد رشید نویسنده ومنتقد سیاست پاکستان در قبال افغانستان، میگوید: " برای نخستین بار صد ها تن از سران قبایل، علمای دینی و سیاست مداران جوان پشتون از مناطق سرحدی پاکستان زیر یک سقف در پشاور گردهم آمدند و خواهان اعاده رسوم و ارزش های قبایل پشتون گردیدند. پشتونها در این نشست خواهان توقف حمایت پنهانی "آی اس آی" از طالبان و گروه های افراطی شدند. محمود خان اچکزی رهبر یک حزب میانه رو پشتونخواه در بلوچستان در این نشست گفت: جهانیان ما پشتونها را تروریست خطاب میکنند، اما فرهنگ تحمل در رگهای ما جاری است، مادران ما به مدارس تحمل داده اند. ما با هیچ کسی بخاطر اینکه بینی دراز دارند یا بازبان دیگری صحبت میکنند، دشمنی نداریم. خواست ما از جهان اینست که به ارزشهای فرهنگی و افتخارات مردم ما احترام بگذارند. اچکزی افزود که: **"مشرف ما را به عنوان و حشیان خونخوار و متخلف معرفی میکند."** حزب عوامی نشنل پارتی که طی ده سال گذشته از جانب حکومت پاکستان به حاشیه رانده شده بود، اکنون به خاطر مجید شہرت مییابد که توانسته، چهره واقعی طالبان را در بین پشتون ها ترسیم نمایند.

اسفندیار ولی رهبر حزب عوامی نشنل پارتی میگوید: طالبان ساخته اجتماع پشتونها نه، بلکه ساخته اردوی پاکستان است. اسفند یار افزود: ما در میان جنگ سالاران، افراطیان و شورشیان جنگجوگیر مانده ایم. آتش جنگ سرزمین خود ما را میسوزد و باید وسایل لازم برای فروشناندن این آتش را در یابیم. احمد رشید میگوید که در این جرگه حامیان طالبان مانند مولانا فضل الرحمن رهبر حزب جمعیت العلمای اسلام که اداره بلوچستان و صوبه سرحد را نیز به عهده دارد و آشکارا از طالبان حمایت میکند، نیز سخنرانی نمود. وی طی سخنانی ادعا کرد که طالبان علیه اشغال و تجاوز

خارجی ها مقاومت میکنند، اما ادعاهای مولانا فضل الرحمن برای اولین بار با صدا های بلند از سوی اشتراک کننده گان با مخالفت روبرو شد که میگفتند، طالبان تهدید بزرگی در برابر صلح و ارزشهای پشتونها است. احمد رشید علاوه میکند: دستگاه استخبارات پاکستان «آی اس آی» قبل از حادثه ۱۱ سپتمبر که از طالبان آشکارا حمایت میکرد، تاریخ افغانستان را دوباره نوشت. طالبان عموماً بیسواد بودند، اما فعالیت های تبلیغاتی این گروه به شمول مقالات، کتابها و سیمینار های که هدف آن نشان دادن افراطیت طالبان منحصراً بخشی از هویت پشتونها بود، به عهده یک بخش ویژه "آی اس آی" گذاشته شده بود. احمد رشید میگوید: پشتونهای افغانستان مانند آقای کرزی، عبدالحق و ظاهر شاه، شاه سابق با این حرکت مخالف بودند، اما صدای آنها در مطبوعات پاکستان انعکاس نمی یافت. پشتونهای پاکستان که با این حرکت مخالف بودند از سوی "آی اس آی" منحصراً خائن و ضد پاکستانی شناخته میشدند. پشتون های دیموکرات ادعای میکنند که از اظهارات اخیر رئیس جمهور مشرف معلوم شده است که او نیز تلاش دارد، پشتونها را بدنام کند. در اخیر احمد رشید می افزاید که بحث در مورد هویت پشتونها تازه آغاز شده است و با برگزاری جرگه ها میان پشتونهای افغانستان و پاکستان در بهار سال آینده، این بحث ها عمیق تر میشود. (آژانس باختر، احمد رشید - لندن دیلی تلگراف ۴/۱۲/۲۰۰۶) با توجه به آنچه گفته آمدیم میتوان تصور کرد که امریکا در تحت تاثیر مشورت های انگلیس پذیرفته است که پشتونها و طالبان از یک قوم و افراطیت و تروریسم جزو خصلت شان است و میباید سرکوب و ریشه کن شوند. در غیر این صورت امریکا میتواندست باکشاندن جنگ به مراکز اصلی آموزش و اختفای القاعده و بن لادن در خاک پاکستان اولادست طالبان را از یخن افغانستان کوتاه کند و ثانیاً مستقیماً با گروه های تروریستی تصفیه حساب و سرنوشت غرب را با پدیده تروریسم معلوم و یکطرفه نماید، ولی معلوم میشود که با توقف جنگ در جنوب افغانستان یکطرف میخواد پاکستان را از خود ناراضی نسازد و از طرف دیگر برای دسترسی به اهداف استراتژیک خود (تسلط و کنترل بر چاه های نفت حوزه خلیج و آسیای میانه و احیاناً انتقامکشی از ایران)، در منطقه بیشتر حضور داشته باشد، مگر در این صورت است که امریکا از دست ترنفدهای پاکستان با سرنوشتی روبرو خواهد شد که شوریها در این کشور شده بودند.

پایان